

خفقان، اخراج، زندان

سرکوب دانشجویان و دانشگاهیان در ایران

AI Index: MDE 13/015/2014

2 June 2014

1 - مقدمه

«دانشگاه ها صدای مردم هستند و به این خاطر است که سعی می کنند آنها را خاموش کنند.»

دانشجوی پیشین دانشگاه امیرکبیر تهران و زندانی سیاسی، گفتگو در تبعید، اسفند ۱۳۹۱

رییس جمهور تازه انتخاب شده ایران، حسن روحانی، که خود را اعتدال گرا توصیف می کند، در آغاز ریاست جمهوری خود کشوری بحران زده را دریافت کرد. هشت سال ریاست جمهوری رییس جمهور پیشین، محمود احمدی نژاد، که دو دوره بر سر کار بود، شاهد وخامت بیشتر وضعیت حقوق بشر بود. ایران به خاطر سوءظن های غرب و کشورهای عربی به برنامه هسته ای آن کشور، به لحاظ دیپلماتیک منزوی شده بود و تحریم های زیانبار تجاری و مالی بین المللی آن را به لحاظ اقتصادی تضعیف کرده بود.

رییس جمهور روحانی در مبارزه انتخاباتی موفق خود و در اولین سخنرانی خود در پی تحلیف به سختی کوشید خود را از سلف خود و سیاست ها و گفتار رییس جمهور پیشین متفاوت نشان دهد. او مصمم به نظر می رسید تا برای پیگیری منافع متصور سیاسی، راهبردی و اقتصادی ایران و جمعیت ۷۸ میلیونی آن، رهیافت آشتی جویانه و سازنده تر نسبت به سیاست گذاری و رابطه سازی در داخل و در سطح بین المللی ارائه کند. این تصمیم روحانی به نوعی اعتباردهی به تمایل عمومی برای تغییر و پایان دادن به انزوای بین المللی ایران بود که در پیروزی انتخاباتی او نیز بازتاب داشت و به نظر می رسید نویدبخش گشایش فصلی تازه و امیدوار کننده در روابط بین المللی ایران باشد. ظرف چند ماه، توافقی مقدماتی بین دولت رییس جمهور روحانی و ایالات متحده آمریکا و دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل و آلمان در آبان ۱۳۹۲ انجام شد که براساس آن ایران متعهد شد بخش هایی از برنامه هسته ای خود را در ازای کاهش موقت و برگشت پذیر تحریم ها متوقف کند. با وجود این، در داخل ایران، اعضای محافظه کار مجلس با وتو کردن انتخاب چندین تن از افرادی که رییس جمهور روحانی برای وزارت خانه های مختلف نامزد کرده بود، محدودیت اختیارات و آزادی عمل رییس جمهور تازه را آشکارا به نمایش گذاشتند. یکی از این چند تن، وزیر پیشنهادی رییس جمهوری برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (از این پس وزیر علوم) بود که مسئولیت نظارت بر عملکرد دانشگاه ها را به عهده دارد. این تنش اولیه نشان داد که، با وجود محبوبیت عمومی رییس جمهور روحانی، دستگاه سیاسی - مذهبی ایران زیر سلطه روحانیت، به رهبری آیت الله خامنه ای و تندروان در بخش های امنیتی و قضایی، قدرت و نفوذ عظیم خود را حفظ کرده و هنوز درباره تعیین نوع و آهنگ تغییر در ایران، از نقش تعیین کننده ای برخوردار است. محکومیت مریم شفیق پور، فعال دانشجویی، به هفت سال زندان در اسفند ۱۳۹۲ پس از محکومیت در دادگاه انقلاب به اتهام «تبلیغ علیه نظام» شواهد بیشتری از تداوم و دامنه قدرت مقامات در عدم تحمل انتقاد را به نمایش گذاشت.

از زمان انتخاب حسن روحانی، توجه رسانه ای و دیپلماتیک، بیشتر به گسترش گفتگوهای بین المللی در باره برنامه هسته ای ایران و پیشرفت آنها متمرکز بوده است. تاکنون هنوز روشن نیست که ریاست جمهوری روحانی تا چه اندازه به کاهش تنش و تخفیف تحریم های مالی و تجاری بین المللی و دیگر تحریم هایی که بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته اند و سطح زندگی و دسترسی ایرانیان به کالاهای وارداتی را کاهش داده اند، خواهد انجامید. در هر صورت اما، این مسائل علیرغم اهمیت شان نباید بر دیگر مشکلاتی سایه بپسندند که رییس جمهور روحانی باید با آنها روبرو شود به ویژه اگر که دولت او بخواهد بر چالش ها و نابسامانی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به ارث برده از دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد چیره شود و به آرزوهای جمعیت رو به رشد کشور که بیش از نیمی از آن زیر ۲۴ سال و بیش از یک چهارم آن زیر ۱۵ سال سن دارد، توجه نشان دهد.^۱

یکی از مبرم ترین این چالش ها را می بایست در دانشگاه های ایران و دیگر نهادهای آموزش عالی، از جمله دانشکده های پزشکی، موسسه های فنی و مدارس عالی محلی یافت. این نهادها در سال چندین میلیون دانشجو دارند که نیمی یا کمی بیش از نیمی از آنها را زنان تشکیل می دهند. با این وجود، نهاد آموزش عالی امروزه دیگر از هیچ میزانی از آزادی علمی معنادار برخوردار نیست. در طی دو دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد هر آن چه دانشگاه ها موفق شده بودند، به عنوان مراکز مستقل اندیشه و تحلیل انتقادی حفظ کنند یا پس از به اصطلاح انقلاب فرهنگی در اوایل دهه ۱۳۶۰ دوباره برقرار کنند، به طور کامل از بین رفت و مقامات دست به اقداماتی زدند که نهادهای آموزش عالی را بیش از پیش زیر کنترل دولت و به ویژه دستگاه امنیتی و اطلاعاتی کشور قرار دهند.

این فرایند به سرعت پس از انتخاب محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ آغاز شد. او موج تازه ای از «اسلامی کردن» دانشگاه ها را شروع کرد که طی آن رشته هایی که «غرب زده» تلقی می شدند از درس حذف شدند، استادانی که «سکولار» محسوب می شدند اخراج یا به اجبار بازنهی گشتند و فعالان دانشجویی اخراج یا تعلیق شدند. همزمان، مسئولان در دانشگاه ها دست به جداسازی جنسیتی زدند و رعایت مقررات انضباطی و پوشش را برای دانشجویان و استادان سخت تر کردند. این اقدامات، در پی تظاهرات گسترده مسالمت آمیز میلیون ها ایرانی در تهران و دیگر شهرها در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ علیه ه انتخاب مجدد و مناقشه آمیز احمدی نژاد به عنوان رییس جمهور، شتاب پیدا کرد و تشدید یافت.

در این اعتراض ها که بسیاری از دانشجویان و دانشگاهیان در آنها شرکت کردند، دانشگاه ها به عنوان مراکز ناآرامی و مخالفت با رییس جمهور منتخب و حامیان او در سلسله مراتب سیاسی و دینی محافظه کار کشور از جمله مقام رهبری، پدیدار شدند. مقامات که به طور آشکار غافلگیر شده و از گستردگی اعتراض ها سراسیمه شده بودند، دست به سرکوبی خشن زدند^۳ که چندین ماه تمام طول کشید. این سرکوب تحت هدایت سپاه پاسداران و بسیج که نیروی شبه نظامی است، انجام شد. آنها با به کارگیری مجموعه ای از اقدامات سرکوبگرانه از جمله استفاده غیرضروری و بیش از اندازه از زور، دستگیری ها و بازداشت های گسترده خودسرانه، ضرب و شتم، شکنجه بازداشت شدگان و بدرفتاری های دیگر با آنها، که بر اثر آن چند نفر جان خود را در حین بازداشت از دست دادند و نیز برگزاری شماری از «دادگاه های نمایشی» به شدت ناعادلانه، که متهمان را پیش از صدور حکم های طولانی زندان در دادگاه های انقلاب به نمایش گذاشت، موفق شدند ناآرامی ها را در هم بکوبند. به جز چند جلسه ی محاکمه کوتاه که به صورت تلویزیونی پخش شد و ده ها متهم راه، که بسیاری از آنها در شرایط به شدت سرکوبگرانه مدت ها در انزوای کامل به سر برده بودند، در وضعیت تحقیرآمیز «اعتراف» به اقدام علیه امنیت ملی و درخواست عفو نشان داد، بیشتر محاکمه ها پشت درهای بسته انجام شد. ده ها نفر حکم زندان گرفتند و البته تعدادی بعدها پیش از پایان دوران محکومیت خود از زندان آزاد شدند.

بعضی از دانشگاهیان و دانشجویان و استادان در میان کسانی بودند که به اعتراضات علیه انتخاب دوباره احمدی نژاد به ریاست جمهوری، پیوستن. برخی از آنها به طور آشکار با نامزدهای اصلی «مخالف دولت» در انتخابات ریاست جمهوری، یعنی مهدی کروبی و میر حسین موسوی، همراهی کردند یا به ستادهای انتخاباتی آنها پیوستند و از این رو در سرکوب امنیتی به طور خاص قربانی شدند. شماری دیگر در اعتراض ها یا در راه رفت و آمد به تظاهرات بازداشت شدند.

علاوه بر این موارد، نیروهای امنیتی به محوطه دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی حمله کردند و بر اساس گزارش های در دست باعث مرگ حداقل پنج دانشجو شدند. مسئولان همچنین ده ها نشریه دانشجویی و گروه دانشجویی از جمله دفتر تحکیم وحدت، بزرگترین سازمان دانشجویی ایران که در دانشگاه ها شعبه داشت، را ممنوع کردند. دفتر تحکیم وحدت، پیش از این سرکوب، خواهان بهبود در وضعیت حقوق بشر و اصلاحات دیگر شده و از مقامات خواسته بود که احترام بیشتری برای انجمنهای اسلامی دانشجویان قائل شوند.

بسیاری از دانشجویان پس از بازداشت های تنبیهی بدون تفهیم اتهام آزاد شدند؛ اما، بعضی از آنها به طور موقت یا دائمی از بازگشت به تحصیل در دانشگاه منع شدند. بعضی دیگر به جرایمی از قبیل اقدام علیه نظم عمومی یا ارتکاب جرایم جدی تر و اغلب میهم و کلی مثل «اشاعه اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی»، «اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در گردهمایی های غیرقانونی»، «توهین به مقام رهبری»، یا «توهین به ریاست جمهوری» متهم شدند. بعضی نیز به جرم «محرابه» متهم شدند که می تواند مشمول حکم اعدام باشد. متهمان در دادگاه انقلاب اسلامی بدون برخورداری از محاکمه عادلانه محاکمه شدند و به زندان و در بعضی موارد شلاق، محکوم شدند.

در این موج تازه تعقیب و آزار، هزاران دانشجو و دانشگاهی از کشور خارج شدند و بر مهاجرت دسته جمعی استعدادهای روشنفکری، که محصول فرعی سرکوب دولتی در جمهوری اسلامی بوده است، افزودند. آنها که باقی ماندند و توانستند آموزش عالی را از سر بگیرند، به دانشگاه هایی بازگشتند که اکنون تحت کنترل و نظارت شدیدتر مقامات قرار گرفته بودند و مقررات انضباطی سخت گیرانه تری را به قصد ریشه کن کردن و سرکوب هرگونه اعتراض اعمال می کردند.

پیش از سال ۱۳۸۴)، دانشگاه ها در انتصاب روسا و استادان، از خودمختاری نسبی برخوردار بودند، اما اولین وزیر علوم که رییس جمهور احمدی نژاد منصوب کرد این اختیارات را از دانشگاه های دولتی سلب کرد و در اختیار مستقیم وزارتخانه خود قرار داد. از آن پس، وزارت علوم قادر شد که نه تنها پست های ارشد اداری بلکه پست های پایین تر تدریس در دانشگاه ها را نیز بر اساس معیارهای خود که شامل معیارهای غیر علمی همچون عضویت در بسیج یا خدمت نظامی بودند، تعیین کند. در عین حال که مسئولان امنیتی با قدرت بر اوضاع کنترل داشتند، مسئولان دانشگاه ها نیز به مقابله با مخالفان پرداختند و با استفاده از سیستم «ستاره دار کردن»، به فعالان دانشجویی و متخلفان از مقررات پوشش و رفتار اخطار کردند که در صورت ادامه تخلف های متصور در معرض تنبیه های انضباطی از جمله تعلیق، اخراج یا بدتر از آن قرار خواهند گرفت.

فرایند «اسلامی کردن» که در دوران رییس جمهوری احمدی نژاد مجدداً احیا شد جنبه جنسیتی داشت و در شرایطی شروع شد که شمار زنان و دختران در دانشگاه ها و دیگر موسسه های آموزش عالی ایران از مردان پیشی گرفته بود. جداسازی جنسیتی در دانشگاه ها که در اوایل دهه ۱۳۶۰ در انقلاب فرهنگی برقرار و گویا باعث شده بود بعضی از خانواده ها دانشگاه ها را محل امنی برای حضور دخترانشان بدانند، بعدها همراه با برداشتن برخی از محدودیت ها از رشته های عرضه شده به زنان، به افزایش منظم شمار دانشجویان دختر در آموزش عالی کمک کرد.

زنان نیم یا کمی بیش از نیمی از کل دانشجویان آموزش عالی را در ایران تشکیل می دهند. «اسلامی کردن» دانشگاه ها در انقلاب فرهنگی جوانب و پیامدهای منفی زیادی داشت، اما گویا جداسازی شدید دانشگاه ها که در انقلاب فرهنگی رخ داد این تاثیر مثبت ناخواسته را داشت که بسیاری از خانواده ها را متقاعد کرد که دانشگاه ها جای امنی برای دخترانشان هستند.

شمار زنانی که وارد آموزش عالی شدند پس از تصمیم مسئولان به برداشتن نسبی محدودیت های برقرار شده در پی انقلاب اسلامی برای ورود زنان به بعضی رشته ها، طی دهه ۱۳۶۰ به طور منظم افزایش یافت. افزایش منظم شمار زنان در آموزش عالی در سراسر دهه ۱۳۷۰ و دهه ۱۳۸۰ ادامه یافت. در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵، یعنی سال اول رییس جمهوری احمدی نژاد، بنا به گزارش ها زنان بیش از ۵۵ درصد کل تعداد دانشجویان را در آموزش عالی تشکیل می دادند.^۴ در سال ۱۳۸۶، گزارش شد که زنان تقریباً ۵۸ درصد دانشجویان دانشگاه ها و دیگر موسسه های آموزش عالی در ایران را تشکیل می دهند.

تلاش های رسمی برای کاهش تعداد و نسبت دانشجویان دختر در آموزش عالی و بازگرداندن توازن به نفع مردان با ورود رییس جمهور احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ آغاز شد، گرچه میزان موفقیت این تلاش ها مورد تردید است. اقدامات انجام شده شامل تعیین سهمیه بندی جنسیتی در بعضی دانشگاه ها به منظور محدود کردن شمار دانشجویان دختر در برخی از رشته ها و ممنوعیت پذیرش زنان در برخی دیگر از رشته ها مثل مهندسی معدن که از نگاه دولتمردان تنها مناسب مردان بود می شد. در همین راستا، رشته هایی همچون مطالعات زنان مورد بازبینی قرار گرفتند تا از توجه به حقوق زنان بر اساس حقوق بین المللی دور شوند و به نقش ها و مسئولیت های «سنتی» زنان در خانواده به عنوان همسر و مادر اولویت دهند و بر «ارزش های اسلامی» به عنوان عامل اساسی تعیین کننده موقعیت زنان در جامعه ایران و آیین رفتاری آنها تأکید بگذارند.

دانشجویان دختر به عفو بین الملل گفته اند که به نظر آنها اعمال مقررات سختگیرانه تر پوشش و رفتار توسط مسئولان دانشگاه ها، همراه با تغییرات در محتوای دروس و سهمیه بندی های محدودیت آمیز برای پذیرش دانشجویان دختر در بعضی رشته ها تأثیر منفی نامتناسبی بر زنان داشته و ممکن است شماری از دختران را از ادامه تحصیلات عالی باز داشته باشد.

پیروان اقلیت های دینی غیررسمی در قانون اساسی همچون بهایی ها کمی پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به طور عمده از دانشگاه ها کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب در بسیاری موارد از آموزش عالی محروم شدند. بر اساس اطلاعات عفو بین الملل، مقامات ایران هیچگاه به صورت واضح وجود این تبعیض را که با حقوق بین الملل و عهدنامه های حقوق بشری که ایران عضو آنهاست، مغایرت دارد، نپذیرفته اند یا نکوشیده اند آن را توضیح بدهند یا توجیه کنند. به گفته منابع غیررسمی، این تبعیض بر اساس رهنمودهای محرمانه رسمی انجام می شود.

با این وجود، آنچه که روشن است این است که حذف بهایی ها و پیروان بعضی اقلیت های دینی دیگر همچون با روند کلی تبعیض رسمی علیه اقلیت های دینی و قومی است که «غیراسلامی» یا غیرمتعهد به مقامات به شمار می روند، و از دست یافتن به مشاغل دولتی، آزادی عمل به اعتقادات دینی یا - در مورد اقلیت های قومی - از استفاده از زبان خود برای تدریس در مدارس، محروم هستند.

در چنین بستری، دوره پس از آغاز به کار رییس جمهور روحانی شاهد برخی تحولات مثبت هرچند محدود بوده است. به ویژه، پس از انتصاب جعفر توفیقی به عنوان سرپرست وزارت علوم، این وزارت خانه اجازه داد شماری از دانشجویان و دانشگاهیان اخراجی به آموزش عالی بازگردند، گرچه آنها باید در باره رفتار و فعالیت هایشان در آینده تعهد کتبی می دادند. در شهریور ۱۳۹۲، سرپرست وزارت علوم اعلام کرد که این وزارت خانه کمیته ای برای رسیدگی به شکایت و مشکلات دانشجویان و دانشگاهیان اخراجی تشکیل داده^۸ و از دانشجویان دعوت کرد که شکایت های خود را به این کمیته ارائه کنند و گفت افرادی که شکایت هایشان مورد تأیید قرار گیرد اجازه خواهند یافت تحصیلاتشان را از سر بگیرند. او گفت دانشجویانی که پیش از سال ۱۳۹۰ منع شده اند در صورت تمایل به بازگشت به تحصیلات عالی باید دوباره در آزمون ورودی سالانه دانشگاه ها شرکت کنند.

تعیین تأثیر این اقدامات تاکنون امکان پذیر نبوده است. گرچه وزارت علوم در شهریور ۱۳۹۲ اعلام کرد که ۱۲۶ دانشجوی اخراجی پیشین اجازه یافته اند تحصیلاتشان را از سر بگی^۹ اما به نظر نمی رسد برای صدها دانشجوی دیگر هنوز تغییری رخ داده باشد. آنها به خاطر استفاده مسالمت آمیز از حق آزادی بیان یا حق آزادی برگزاری گردهمایی های مسالمت آمیز و تشکل ها یا به خاطر این که پیرو بهایییت یا دین های غیررسمی دیگر هستند هنوز با تبعیض روبرو هستند.

ماه های اول ریاست جمهوری روحانی امیدهایی را نسبت به شکل گیری دولتی کمتر سرکوبگر که برای حقوق بشر مردم و تعهدات خود در قانون بین المللی حقوق بشر احترام بیشتری قائل باشد، به وجود آورده است. ماه ها و سال های آینده از نظر رها شدن دانشگاه های ایران از مداخله های خودسرانه نیروهای امنیتی و اربابان سیاسی آن و به دست آوردن این امکان این که آنها بار دیگر به مراکز مستقل علم، آزاد اندیشی و نوآوری تبدیل شوند، اهمیت حیاتی دارند عده زیادی در ایران و سراسر جهان در انتظار هستند تا ببینند آیا رییس جمهور روحانی، همچنان که سخنانی های پیش از انتخابش او را به عنوان مدافع اصلاحات نشان می داد، برای توجه به این بحران کوششی به خرج خواهد داد یا خیر، و اگر آری، چه میزان از نیرو و قاطعیت را به کار خواهد گرفت و در نهایت به چه میزان از موفقیت دست خواهد یافت.

خلاصه توصیه ها

عفو بین الملل دولتمردان ایران را فرامی خواند:

- دسترسی به آموزش عالی را به طور برابر بر اساس توانایی فردی برای همگان امکان پذیر سازند و از حق تحصیل، کار و تدریس در آموزش عالی بدون تبعیض به خاطر جنس، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، قومیت، ملیت، اعتقادات دینی یا دیگر اعتقادات وجدانی، یا هر وضعیت دیگری، تضمین کنند؛
- تعلیق و اخراج خودسرانه تمام دانشجویان و بازنشستگی اجباری یا اخراج اعضای هیات علمی را به دلایل غیر قانونی لغو کنند و به تمام این افراد اجازه بازگشت به رشته تحصیلی یا محل کار قبلی شان را بدهند؛
- تضمین کنند که دانشجویان و دانشگاهیانی که از حقوق آزادی بیان، ایجاد تشکل و برگزاری گردهمایی مسالمت آمیز خود استفاده می کنند قربانی تلافی جویی نشوند؛ و این حقوق را با صدور اجازه تشکیل مجامع دانشجویی و انتشار نشریه به دانشجویان تضمین کنند؛
- به مداخله خودسرانه در حریم خصوصی دانشجویان و دانشگاهیان پایان دهند و تضمین کنند که هیچ کس به عنوان مجازات به خاطر عقاید سیاسی یا اجتماعی، اعتقاد دینی، قومیت، جنس، هویت جنسیتی یا گرایش جنسی از ورود به آموزش عالی محروم نشود؛
- تمام سیاست هایی را که به قصد محدود کردن یا حذف زنان از آموزش عالی از جمله سیاست هایی که ورود زنان را به بعضی رشته های خاص تحصیلی محدود یا ممنوع می کند، ملغی کنند؛
- تضمین کنند که دانشگاه ها و دیگر موسسه های آموزش عالی با احترام به حق دانشجویان و دانشگاهیان برای استفاده از آزادی بیان، تشکل و گردهمایی

مسالمت آمیز به موازین حقوق بشر پایبند باشند؛

■ به نقض حقوق بشر در نظام عدالت کیفری، از جمله دستگیری های خودسرانه، حبس در انزوای کامل، محرومیت از داشتن وکیل، شکنجه و دیگر بدرفتاری ها و محاکمه های ناعادلانه خاتمه دهند.

در باره این گزارش

این گزارش بر پایه پژوهش عفو بین الملل با استفاده از سلسله گسترده ای از منابع خصوصی و عمومی انجام شده است. این منابع گفتگوهای عمیق با بیش از 50 زن و مرد دارای اطلاع مستقیم در باره دانشگاه ها و نظام آموزش عالی شامل دانشجویان و کادر آموزشی پیشین را در بر می گیرد. عفو بین الملل کمی پس از انقلاب اسلامی سال 1357 از ورود به ایران برای حقیقت یابی و پژوهش منع شده و بنابراین نتوانسته به طور مستقیم در باره شرایط در دانشگاه های ایران تحقیق کند. با وجود این، اشخاص طرف گفتگو شامل دانشجویان و اعضای هیات علمی بوده اند که در دوران اخیر و پیش از ترک ایران و درخواست پناهندگی در ترکیه یا کشورهای دیگر در دانشگاه های ایران تحصیل کرده یا به کار اشتغال داشته اند.

علاوه بر اشخاص طرف گفتگو، که تقریباً همگی به زبان فارسی انجام شده اند، عفو بین الملل اطلاعات بیشتری را با استفاده از پرسشنامه گردآوری کرده است.

از میان منابع رسمی، عفو بین الملل از اطلاعاتی که دولت ایران منتشر کرده، از جمله گزارش به سازمان ملل، گزارش ها و یافته های نهادهای سازمان ملل، اظهارات مقام های رسمی ایران، گزارش های سازمان های مستقل و غیردولتی حقوق بشری، و گزارش های رسانه های ایرانی و بین المللی استفاده کرده است.

عفو بین الملل همچنین از دولت مردان ایرانی نیز به طور مستقیم خواستار اطلاعات شده است، به ویژه در باره شمار دانشجویان و دانشگاهیان اخراجی از دانشگاه ها و دیگر مراکز آموزش عالی و تعداد لغو ممنوعیت ها پس از شروع به کار روحانی در مرداد ۱۳۹۲. دولت مردان تا به امروز از دادن پاسخ به عفو بین الملل خودداری کرده اند.

عفو بین الملل از کمک بسیاری از ایرانیان و افراد دیگر در گردآوری این گزارش قدردانی می کند و آن را به کسانی تقدیم می کند که در راه حمایت از حقوق بشر و ترویج آزادی علمی در ایران فعالیت می کنند.

7 - نتایج و توصیه ها

این گزارش جزئیات سرکوب فراگیر و رو به گسترش دانشجویان و دانشگاهیان را در نظام آموزش عالی ایران شرح می دهد.

دولت محمود احمدی نژاد که دوره آن در اوایل مرداد ۱۳۹۲ به پایان رسید گویا عزم کرده بود تا آموزش عالی را طوری بازسازی کند که تنها دارای مدرسانی باشد که به تدریس نظریات مورد تایید مسئولان بپردازند، تنها دانشجویانی داشته باشد که هیچ نظر متفاوتی ابراز نکنند یا در فعالیت های مخالف یا انتقادی شرکت نکنند و به مقررات سخت و پوشش و رفتار عمل کنند که تاثیر نامتناسبی بر زنان داشت.

از زمان بر سر کار آمدن رییس جمهوری روحانی در سال ۱۳۹۲، دولت او از برنامه ای برای با احترام بیشتر به حقوق حمایت کرده و این امید را برانگیخته که دوره دولت او پیشرفت های مهم و بسیار ضروری در حقوق بشر در ایران و در کیفیت زندگی میلیون ها ایرانی به بار خواهد آورد. میزان اولویتی که او به بحران در آزادی علمی که اکنون در دانشگاه های ایران حاکم است می دهد شاخص مهمی برای تشخیص به حق بودن این امیدها خواهد بود.

توصیه ها

توصیه های زیر به مسایلی می پردازند که در این گزارش شرح آنها آمده است.

به دولت مردان ایران

عفو بین الملل دولت مردان ایران را فرا می خواند تا به این موارد نقض جافقاده حقوق بشر پایان دهند و بدون تاخیر اقدامات زیر را در پیش بگیرند:

حق آموزش عالی و آزادی علمی

■ اطمینان حاصل کنید که دسترسی به آموزش عالی به طور برابر بر اساس توانایی فردی برای همگان امکان پذیر و با رعایت توصیه های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل فراهم باشد^{viii} و اشتغال در آموزش متوسطه و آموزش عالی مشروط به جنس، وابستگی سیاسی یا دینی، عقیده یا اعتقاد نباشد؛

■ اطمینان حاصل کنید که دانشجویان و دانشگاهیانی که از حقوق آزادی بیان، تشکل و گردهمایی مسالمت آمیز خود استفاده می کنند قربانی تلافی جویی همچون بررسی های انضباطی یا مردودی ساختگی در دروس خود نشوند که منجر به تعلیق، برکناری یا اخراج آنها شود؛ بدون تاخیر تمام تعلیق ها و اخراج های خودسرانه قبلی دانشجویان و تمام بازنشستگی های اجباری یا اخراج عملی اعضای هیات علمی را که به دلایل منع شده انجام شده لغو کنند و قربانیان این اقدامات را به وضعیت قبلی خود به عنوان دانشجو یا عضو هیات علمی بازگردانند؛

■ عناصر نظارت مستقیم مراجع امنیتی ملی را از دانشگاه ها و مراکز آموزشی بیرون ببرید؛

- اطمینان حاصل کنید که محدودیت ها بر تشکیل و کارکرد نشریه ها و تشکل های دانشجویی خاتمه یابد و نشریه ها و تشکل های دانشجویی به دلیل استفاده از حق آزادی بیان، تشکل یا گروههایی تعطیل نشوند؛
- به مداخله خودسرانه در حریم خصوصی دانشجویان و دانشگاهیان پایان دهید و اطمینان حاصل کنید که هیچ کس از دسترسی به آموزش عالی به دلیل عقیده یا جنسیت، دین، قومیت، جنس، هویت جنسی یا گرایش جنسی محروم نشود؛
- تمام سیاست هایی را که هدف از آنها محدود کردن یا حذف زنان از آموزش عالی از جمله در زمینه مقررات الزام پوشش است ملغا کنید و رشته هایی را که به علت طبقه بندی یا حد نصاب به روی زنان بسته است، بر اساس توصیه های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در مه 2013 به روی آنها باز کنید؛
- اطمینان حاصل کنید که تمام دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی ملزم باشند موازین حقوق بین المللی بشر را در اسناد اساسی خود بگنجانند و در عمل از این موازین پیروی کنند، از جمله از طریق حمایت و حفاظت بدون تبعیض از حقوق آزادی بیان، تشکل و گروههایی مسالمت آمیز در دانشگاه؛
- اطمینان حاصل کنید که منابع کافی برای تضمین دسترسی بدون تبعیض به آموزش عالی برای گروه های که به طور سنتی در حاشیه قرار می گیرند یا گروه های محروم هستند، همچون پیروان اقلیت های دینی و اعضای اقلیت های قومی ایران، زنان و اشخاص ناتوان از یادگیری و از کارافتادگی های روانی اجتماعی، تامین شود؛
- اطمینان حاصل کنید که اقلیت های قومی از فرصت آموزش به زبان مادری، همچون عربی، ترکی آذربایجانی، بلوچی، گُردی و ترکمنی، علاوه بر فارسی، برخوردار باشند تا این که تمام جوامع بتوانند به طور کامل و بدون محدودیت در زندگی فرهنگی، بر پایه توصیه های کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل شرکت کنند.^{ix}

آزادی بیان، تشکل و گروههایی

- فوری و بدون قید و شرط تمام زندانی عقیدتی را، یعنی تمام افرادی را که تنها به خاطر عمل مسالمت آمیز به آزادی بیان یا دیگر حقوق بشر خود در زندان هستند آزاد کنید؛ و تمام اتهام هایی را که تنها ناشی از استفاده مسالمت آمیز از حق آزادی بیان یا دیگر حقوق بشر علیه افراد مطرح است لغو کنید؛
- تمام مقررات قانون مجازات، به ویژه کتاب پنجم آن، قانون مطبوعات و دیگر مقررات مربوط به بیان مسالمت آمیز عقاید وجدانی را با نظر به سازگار کردن قوانین ایران با تعهدات ایران در حقوق بین المللی از جمله ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد بازنگری قرار دهید؛
- تمام مقررات قانون مجازات را در زمینه گروههایی مسالمت آمیز مورد بازنگری قرار دهید به منظور اطمینان از این که همگان بتوانند از این حق خود استفاده کنند، از جمله اطمینان از این که هیچ کس به خاطر شرکت در گروههایی مسالمت آمیز مورد پیگرد قرار نخواهد گرفت؛
- تمام مقررات قانون مجازات را در زمینه آزادی تشکل مورد بازنگری قرار دهید و در صورت لزوم اصلاح کنید تا از سازگاری آنها با حقوق بین المللی اطمینان حاصل کنید؛
- از آزادی بیان همگان، از جمله از طریق حمایت از آزادی جستجو، دریافت و ارسال اطلاعات و نظریات از هر نوع، صرفنظر از مرز و از طریق تمام رسانه ها، حمایت کنید.

تبعیض

- تمام قوانینی را که بر اساس نژاد، رنگ پوست، دین، قومیت، تولد، جنس، گرایش جنسی، هویت جنسی، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، مالکیت یا وضعیت دیگر، تبعیض قابل می شوند مورد بازنگری قرار دهید، اصلاح یا ملغی کنید؛
- تمام اشکال تبعیض علیه زنان و دختران را در عمل و قانون، از جمله از طریق تغییر یا الغای قوانین (همچون قانون مجازات)، مقررات، رسم ها و رویه های عملی تبعیض آمیز از بین ببرید؛
- تمام قوانین و سیاست هایی را که علیه دسترسی برابر زنان و دختران به آموزش عالی، مثل جدایی جنسیتی کلاس ها و موسسه ها، حد نصاب های تبعیض آمیز و ممانعت از تحصیل زنان و دختران در رشته ها یا دروس خاصی تبعیض قابل می شوند، اصلاح یا ملغی کنید؛
- اطمینان حاصل کنید که انتصاب به پست های هیات علمی بر اساس شایستگی و بدون تبعیض به هر دلیلی مثل جنس، نژاد، دین، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر یا گرایش جنسی و هویت جنسی، انجام شود؛
- فوری و بدون شرط میثاق سازمان ملل برای محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن را تصویب کنید؛
- به تبعیض علیه بهاییان در قانون، سیاست و عمل پایان دهید و به اقدامات تبعیض آمیز علیه اقلیت های قومی و دیگر اقلیت های دینی از جمله عرب های اهوازی، آذربایجانی ها، بلوچ ها، کردها، اهل حق، درویش و نوکیشان مسیحی، از جمله در زمینه دسترسی به آموزش عالی، خاتمه دهید؛

اجرای عدالت

- اطمینان حاصل کنید که جرایم کیفری دقیق و روشن و بر اساس اصل قانونی بودن جرایم تعریف شوند؛

■ اطمینان حاصل کنید که هیچ کس تنها به خاطر استفاده مسالمت آمیز از حقوق آزادی بیان، تشکل و گردهمایی بازداشت نشود یا به زندان نرود. هر کسی که به این خاطر بازداشت شده باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شود؛

■ فوری تمام بازداشت شدگان را از دلایل دستگیری یا بازداشت آنها مطلع کنید و اطلاعات کافی در باره حقوق آنها در اختیارشان قرار دهید؛

■ حق محاکمه عادلانه را در تمام مراحل، در سازگاری با موازین بین المللی، به ویژه ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین کنید. قوانین ایران باید تضمین کنند که تمام اشخاصی که دستگیر می شوند فوری از فرصت عملی مخالفت با قانونی بودن بازداشتشان در برابر دادگاه دارای اختیار آزادی آنها برخوردار شوند؛ در زمان دستگیری به وکیل دسترسی داشته باشند؛ در برابر دادگاه برابر باشند؛ از حق محاکمه منصفانه و علنی در دادگاه صالح، مستقل و غیرجانبدار که بر اساس قانون تشکیل شده برخوردار باشند؛ و از حق واقعی درخواست تجدید نظر بهره مند شوند؛

■ اطمینان حاصل کنید که تمام کسانی که از آزادی خود محروم می شوند اجازه ملاقات با خانواده خود داشته باشند و خانواده ها در باره محل و وضعیت عضو بازداشت شده یا محکوم به زندان خانواده شان اطلاع داشته باشند؛

■ استقلال قوه قضاییه را تضمین کنید و اطمینان حاصل کنید که تضمین های عملی علیه مداخله وزارت اطلاعات یا نیروها و دستگاه های امنیتی دیگر در پرونده های قضایی برقرار باشد؛

■ بازداشت مخفی، در انزوای کامل و استفاده طولانی از سلول انفرادی را ملغا کنید؛

■ استفاده از تمام دادگاه های ویژه، از جمله دادگاه های انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت را ملغا کنید؛

■ به استفاده از «اعتراف» های اجباری تلویزیونی خاتمه دهید؛ این کار اصل بی گناهی و حق عدم اجبار به ادای شهادت علیه خود یا اقرار به تقصیر را نقض می کند؛

■ تعلیق فوری اعدام ها را، در سازگاری با فراخوان های مکرر مجمع عمومی سازمان ملل، اعلام کنید و به عنوان گام اول در راه الغای کامل مجازات اعدام، اقدام های فوری را برای کاهش شمار جرایم مستوجب اعدام در پیش بگیرید.

پیشگیری از شکنجه و بدرفتاری های دیگر

■ به طور رسمی شکنجه و بدرفتاری های دیگر را، محکوم کنید از جمله با اعلام به نیروهای امنیتی که این تعدی ها در هیچ شرایطی تحمل نخواهد شد؛

■ اطمینان حاصل کنید که شکنجه و بد رفتاری های دیگر صرف نظر از هدف این گونه اقدام ها به صراحت در قانون منع شود و آنها را جرایم کیفری مستوجب مجازات متناسب با شدت جرم - بدون توسل به مجازات اعدام - اعلام کنید. شکنجه را در قوانین ایران جرم اعلام و اطمینان حاصل کنید که محدودیت ممنوعیت شکنجه فقط شامل موارد «گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع» - که قانون اساسی در حال حاضر اعلام کرده - نباشد. تضمین کنید که تعریف قانونی شکنجه با تعریف کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر مجازات ها و رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز سازگار و قوانین ایران با این کنوانسیون به طور کامل سازگار باشند؛

■ به بازداشت های مخفی پایان دهید و اطمینان حاصل کنید که تمام بازداشت شدگان در بازداشتگاه های رسمی در اختیار قوه قضاییه قرار گیرند و پس از آن به طور منظم دسترسی فوری به وکیل انتخابی خود که در تمام بازجویی ها حضور یابد، داشته باشند؛

■ به رویه بازداشت در انزوای کامل خاتمه دهید. اطمینان حاصل کنید که بازداشت شدگان بدون تاخیر و از آن پس به طور منظم دسترسی عملی به اعضای خانواده خود داشته باشند؛

■ تمام قوانین، به ویژه قانون مجازات اسلامی، را که مجازات بدنی از جمله شلاق، قطع عضو و سنگسار تا مرگ را امکان پذیر می سازند، ملغا کنید؛ و تا زمان الغای کامل این مجازات ها، اجرای آنها را معلق کنید؛

■ اطمینان حاصل کنید که تمام ادعاهای شکنجه یا بدرفتاری ها و آزارهای دیگر به طور مستقل، فوری، کامل و غیرجانبدارانه مورد تحقیق قرار گیرد و ماموران مسئول این گونه تعدی ها - بدون توسل به مجازات اعدام - به دست عدالت سپرده شوند و قربانیان غرامت کامل دریافت کنند؛

■ اطمینان حاصل کنید که هیچ کس برای ادای شهادت علیه خود یا دیگران یا اقرار به تقصیر مورد فشار قرار نمی گیرد و هیچ گونه اظهاراتی که از طریق استفاده از شکنجه یا بدرفتاری های دیگر به دست می آید به عنوان مدرک در دادگاه پذیرفته نمی شود به استثنای مواردی که به عنوان مدرک علیه اشخاص متهم به استفاده از شکنجه یا بدرفتاری های دیگر مورد استفاده قرار می گیرد؛

■ اطمینان حاصل کنید که بازداشت شدگان، در تمام زمان بازداشت، در صورت درخواست به معاینه پزشکی و به مراقبت پزشکی مورد درخواست دسترسی فوری داشته باشند. بازداشت شدگان باید در صورت تمایل مجاز به دریافت نظریه پزشکی مستقل باشند.

حق غرامت برای نقض حقوق

■ مراجع مستقل و غیرجانبدار برای تحقیق فوری، کامل و موثر در باره ادعاهای نقض حقوق بشر تشکیل دهید و به قربانیان و خانواده هایشان در سازگاری با موازین بین المللی حقوق بشر غرامت دهید؛

■ مسئولان امنیتی، اطلاعاتی، قضایی و دیگر ماموران را در هر سطحی که مسئول بدرفتاری با بازداشت شدگان در حبس هستند تنبیه کنید و مورد پیگرد قرار دهید و اطمینان حاصل کنید که تحقیق و تنبیه و نیز محاکمه های کیفری بر اساس بالاترین موازین بین المللی انجام شوند؛

■ امکان رسیدگی بین المللی به وضعیت حقوق بشر در ایران را فراهم کنید، از جمله با دادن اجازه دیدار از کشور به گزارشگر ویژه سازمان ملل برای وضعیت حقوق بشر در ایران، و دیگر کارشناسان موضوعی حقوق بشر سازمان ملل که درخواست دیدار کرده اند، و نیز سازمان های بین المللی حقوق بشر مثل عفو بین الملل؛

■ به پروتکل های اختیاری بپیوندید که به افراد اجازه شکایت به مراجع ناظر بر عهدنامه های سازمان ملل را می دهند.

مجامع بین المللی حقوق بشر

■ فوری و بدون شرط کنوانسیون سازمان ملل علیه شکنجه و دیگر مجازات ها و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و پروتکل اختیاری آن؛ کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن؛ کنوانسیون بین المللی حفاظت از تمام اشخاص در برابر ناپدید شدن قهری، اساسنامه رُم دادگاه بین المللی جزایی؛ پروتکل های اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپیوندید؛

■ دعوت فعلی دولت از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل - گزارشگران ویژه - برای دیدار از ایران در اولین فرصت را دوباره تایید کنید و به آن جنبه عملی بدهید؛ برای نمونه دیدار هر چه زودتر گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حق آموزش را به منظور توصیه بهترین رویه ها و روش ها به دولت تسهیل کنید تا اطمینان حاصل شود که دانشجویان به خاطر استفاده مسالمت آمیز از حقوق تضمین شده خود در حقوق بین المللی هدف رویه های ناعادلانه انضباطی قرار نمی گیرند.

به جامعه بین المللی

■ اطمینان حاصل کنید که در پی پذیرش وضعیت پناهندگی، اسکان دوباره فوری و منصفانه انجام شود؛

■ اطمینان حاصل کنید که ملاحظات سیاسی، مثل ملاحظات مربوط به برنامه هسته ای ایران، جامعه بین المللی را از دست زدن به اقدامات هماهنگ در واکنش به کوتاهی دولتمردان ایران در احترام به تعهدات حقوق بشری آنها و مانع تراشی آنها در راه رسیدگی های بین المللی، از جمله به وسیله کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، باز ندارد.

■ دولتمردان ایران را ترغیب کنید با دیدار گزارشگر ویژه سازمان ملل در باره وضعیت ایران و اجرای تعهد ایران به تسهیل و پذیرش دیدارهای کارشناسان ویژه حقوق بشر سازمان ملل که بر پایه دعوت موجود از طرف دولتمردان ایران درخواست دیدار از ایران کرده اند، موافقت کنند.

ⁱ گفتگو در اسفند 1391. نام به علت هراس گوینده از امنیت خود و خانواده و دوستانش در ایران محفوظ است.

ⁱⁱ صندوق جمعیت سازمان ملل، نمای کلی ایران، بازیابی در اسفند 1392.

ⁱⁱⁱ برای جزئیات بیشتر در باره سرکوب نگاه کنید به گزارش های عفو بین الملل با عنوان های زیر:

اعتراض به نتیجه انتخابات، تشدید سرکوب (19 آذر Index: MDE 13/123/2009, 1388): در:

<http://amnesty.org/en/library/asset/MDE13/123/2009/en/21ff399a-ec9e-4008-882e-43137e61441b/mde131232009fa.pdf>;

از اعتراض تا زندان - ایران یک سال پس از انتخابات (19 خرداد Index: MDE 13/123/2009, 1389)، انتشار در خرداد 1389، در:

<http://amnesty.org/en/library/asset/MDE13/062/2010/en/de29af1c-4fa2-409b-ba1e-b8132fb8e7dc/mde130622010fa.pdf>

و: «دستور داریم تو را له کنیم»: سرکوب رو به گسترش مخالفت ها در ایران، (بهمن 1390، Index MDE 13/002/2012): در:

<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/002/2012>

^{iv} موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، توزیع تعداد دانشجویان بر حسب دوره تحصیلی و به تفکیک گروه های تحصیلی و جنسیت در سال تحصیلی 85 - 1384، در:

http://irphe.ac.ir/files/site1/pages/Stat_1384_85/EnrolmentTable/6_2.pdf

^v موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، توزیع تعداد دانشجویان بر حسب دوره تحصیلی و به تفکیک گروه های تحصیلی و جنسیت در سال تحصیلی 86 - 1385، در:

http://irphe.ac.ir/files/site1/pages/Stat_1386_87/EnrolmentTable/6_2.pdf;

^{vi} رادیو زمانه، کمیته ای برای بازگرداندن استادان و دانشجویان اخراجی تشکیل شد، 20 شهریور 1392، در:

<http://www.radiozamaneh.com/97850#.UphivycSpFI>

^{vii} تارنمای رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت علوم گزارش 100 روزه فعالیت های خود را منتشر کرد، 9 آذر 1392، در:

<http://www.msrt.ir/SitePages/NewsDetails.aspx?NewsID=4819>

^{viii} نگاه کنید به بند 12 ملاحظات پایانی گزارش ادواری دوم جمهوری اسلامی ایران، مصوب کمیته در نشست پانزدهم (29 اپریل - 17 مه 2013)، نسخه ویرایش نشده، 17 مه 2013

^{ix} نگاه کنید به بند 30 ملاحظات پایانی گزارش ادواری دوم جمهوری اسلامی ایران، مصوب کمیته در نشست پانزدهم (29 اپریل - 17 مه 2013)، نسخه ویرایش نشده، 17 مه 2013